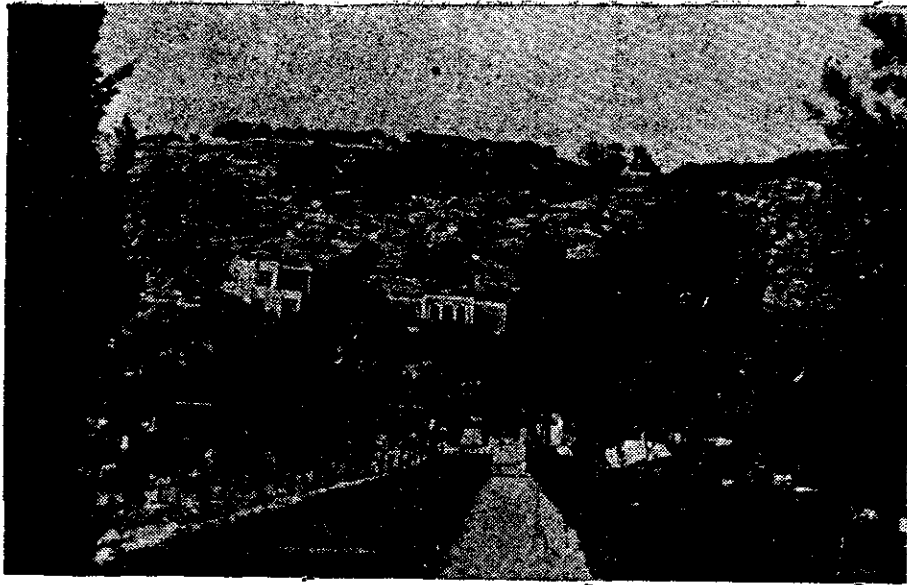
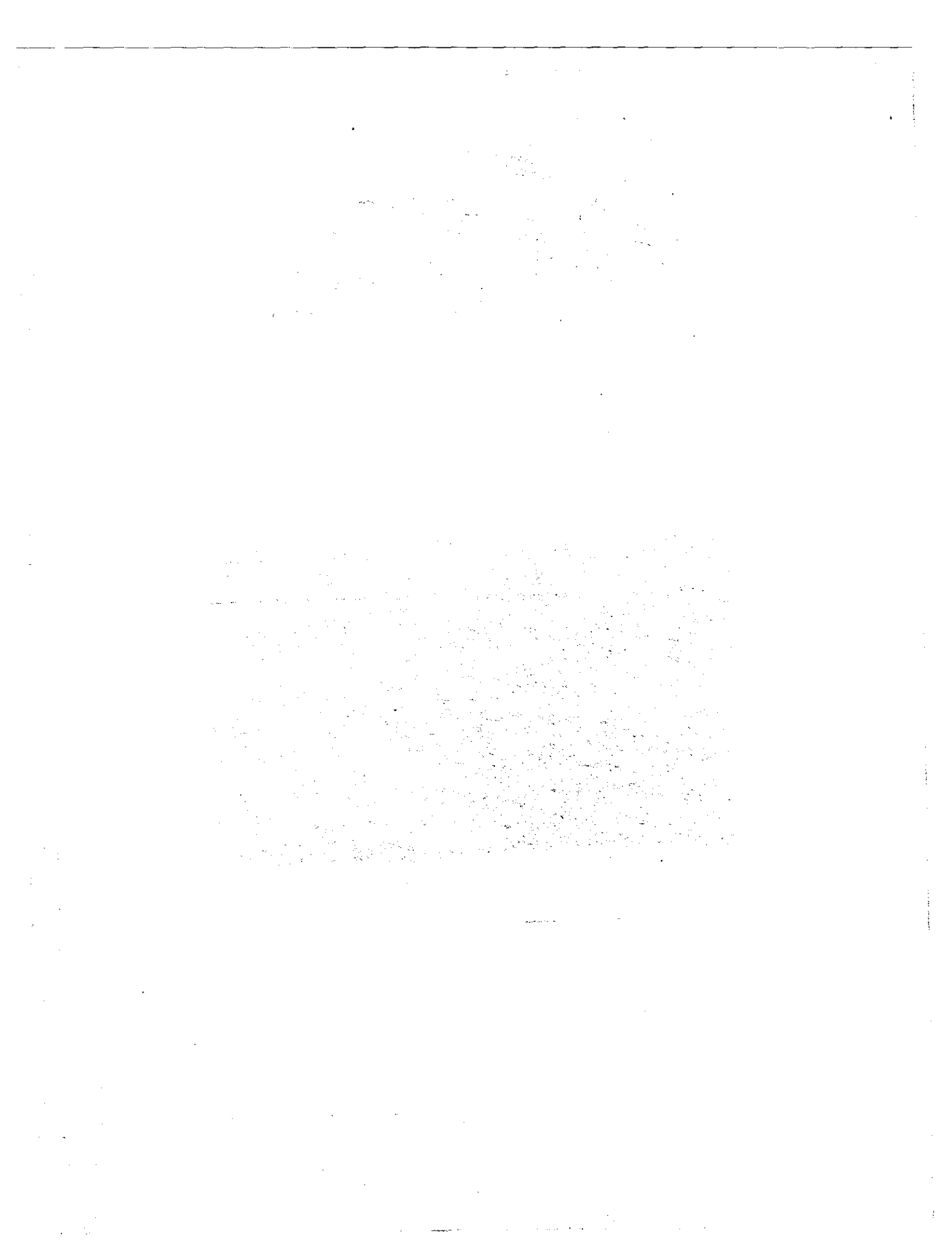


کتابت





سال اول شهرالمسائل ۱۰۳ بدیع ۱۲۲۵ آذرماه ۱۳۲۵ شماره نوزدهم

آهنگ بدیع قبل از انتشار تصویب محفل مقدس روحانی
(طهران میرسد)

آهنگ بدیع

از انتشارات کمیسیون نشریه لجنه جوانان بهائی طهران
(وجهاشترک)

۱۷۰ ریال	۱۹ شماره	سالیانه
۹۰ ریال	۱۰ شماره	ده ماهه
۴۵ ریال	۵ شماره	پنجاهه

(آدرس دفتر مجله)

حظیره المقدس ملی دفتر لجنه جوانان بهائی طهران

(خطایه جناب ابوالفضائل گلپایگانی)

چنانچه خوانندگان عزیزم خاطر دارند در شماره پانزدهم قسمتی از خطابه فوق درج گردید ولی از آنجائیکه این خطابه بسیار مفصل و قابل اهمیت است از درج در شماره های آهنگ بدیع صرف نظر شده و تصمیم بر این اتخاذ گردید که این جزوه نفیس که نسخ آن بسیار کمیاب است بطور جداگانه انتشار یابد این جزوه که حاوی بهترین و جامعترین اطلاعات امری و تاریخی برای اشخاص علاقمند و مبتدیان میباشد بزودی باقیمت مناسب در دست رس احبای الهی قرار خواهد گرفت (آهنگ بدیع)

فهرست مندرجات

۱ - تشکیلات امروزی دیانت بهائی	صفحه ۴۰۳ و ۴۰۵	بقلم هراس علی برجندا قای فیضی
۲ - شخصیت حضرت عبدالبها	۷ و ۶	بقلم مستورتون چیزترجند اقای هداست الله سهراب
۳ - مستورتون چیز	۸	
۴ - ادبیات	۸	یکغزل از جنابند لیب و یکغزل از جناب عباس طلاوری
۵ - اخبار	۱۰	
۶ - صلح یا مقصد اهل بها	۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵	بقلم آقای سیروس ارجمند تالیف دکتر اسلمنت
۷ - از کتاب بهاء الله بهیامشر	۱۶ و ۱۷	
۸ - دوره از عصمت اعظم از صد هزار سال عبادت	۱۸ و ۱۹	بقلم بدرالملوک موزون
۹ - برای کردگان در قلعه ماکو	۲۰	بقلم آقای امین الله لامع

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

عکس هشت جلد یکی از مناظر حقیقا میباشد

شهر المسائل من سنة الجاد من الواحد تقویم آهنگ بدیع السادر من كلشئ الاول ۰۳ ابدیع									
ایام هفته	شهر آزاد	محرم	کتاب	ایام هفته	شهر آزاد	محرم	کتاب	ایام هفته	شهر آزاد
پنجشنبه بها	۱	۲۱	۱۲	یکشنبه مشیة	۱۱	۱	۲۲	۲۲	۲۷
جمعه جلال	۲	۲۲	۱۳	دوشنبه علم	۱۲	۲	۲۳	۲۳	۲۸
شنبه جمال	۳	۲۳	۱۴	سه شنبه قدرة	۱۳	۳	۲۴	۲۴	۲۹
یکشنبه عظمت	۴	۲۴	۱۵	چهارشنبه قول	۱۴	۴	۲۵	۲۵	۳۰
دوشنبه نور	۵	۲۵	۱۶	پنجشنبه مسائل	۱۵	۵	۲۶	۲۶	عقتر
سه شنبه رحمة	۶	۲۶	۱۷	جمعه شرف	۱۶	۶	۲۷	۲۷	۲
چهارشنبه کلمات	۷	۲۷	۱۸	شنبه سلطنت	۱۷	۷	۲۸	۲۸	۳
پنجشنبه کمال	۸	۲۸	۱۹	یکشنبه ملك	۱۸	۸	۲۹	۲۹	۴
جمعه اساء	۹	۲۹	۲۰	دوشنبه علاء	۱۹	۹	۳۰	۳۰	۵
شنبه عزة	۱۰	۳۰	۲۱						

فيلم عراس هلسی

(تشکیلات امـــــروزی دیانت بهائی)

ترجمه آقای فیضی

بقیه از شماره قبل :

هر طبق نصر صرح الواح مبارکه وصایا بر عهد شده
 محفل ملی هر کشور است که با معیت سایر محافل
 ملی تمام عالم اعضاء بیت العدل اعظم را انتخاب
 نماید که بالاخره رجال بیت العدل جمیع امور
 امری جهانرا متحد ساخته بقوت داده مرتب
 نموده و راعنمائی کند محافل ملی تا هنگام تاسیس
 بیت العدل اعظم بایستی هر ساله تجدید انتخاب
 نماید وظائف بسیار مهم و سنگینی بر عهده آنها
 است چه بایستی جمیع محافل ملی را در حیطه
 اختیار و مراقبت خود قرار داد و اقدامات یا را ترا
 اداره نماید و بانهایت قوت در حفظ امراللسه
 کوشیده و اموریکه مربوط بامر دسر تا سران اقلیم
 است در تحت مراقبت و دقت دائی خویش قرار
 دهند تصمیمات کلیه منوط بمسائل امریه مملکتی
 از قبیل ترجمه و انتشار کتب و الواح مشرق الاذکار
 تبلیغ و اموری دیگر از این قبیل که بکلی مجبوزا
 از مسائل محلی است در تحت سرپرستی و مراقبت
 تصمیمات قطعیه نهائیه محافل ملی است محافل
 ملی هر کدام از امور مختلفه را بلجنه ای محمول
 داشته و اعضاء آن لجنات از بین جمیع احبای
 مملکت انتخاب میگردد و روابط این لجنات بسا
 محفل ملی مانند روابط محافل محلی با محفل ملی
 است و نیز از اختیارات محفل ملی است که
 برخی مسائل را محلی و بعضی را ملی تشخیص دهند
 و با بالکل امر را منوط و مربوط بتصمیم محفل ملی

شمارد و بایشخصه در امری رسیدگی تام نماید و در
 وقت مخصوصی در آن بکاربرد در خصوص مسائل
 و مشاکله که باید بارضر مقصود مراجعه و ارسال شود
 نیز همین هیئت شور نموده تصمیم میگیرند.....
 برای حفظ منافع و مصالح امریه امریکه اینقدر
 در نظر ما محبوب و معزز است و جمیع برای پیشتر
 خدمت و جان نثاری میکنیم - از وظائف اولیه
 حتمیه اعضاء محفل ملی است که چه انفرادا و چه
 اجتماعا عناصیح و پیشنهادها و عواطف نمایندگان
 محترم انجمن شور و روحانی را بدست آورد و در وسیع
 تحصیل احساسات آنها برآمد و هر یک را بمورد و
 موقع خود محترم و محفوظ دارند بایستی از هرگونه
 کینیات و احوالات تظاعری یعنی نمایش دادن
 امور بعنوان اسرار و مخفی داشتن آنها دوری بخشوند
 و از کناره گیری و صد رنشین حاکمانه بالمره اجتناب
 ورزند بلکه غالباً بایستی بکمال صراحت و صرامت
 نقشه ها امیدها و افکار خود را در مقابل چشم
 منتخبین خود باز کرده و آنها را با مسائلی که در رسال
 آیند مورد مذاکره و بحث قرار میگیرد آشنا سازند با
 نهایت متانت و وقار عقاید آنها را بسنجند و با وجدانی
 مقدس و ضمیری پاک از لایشر در افکار و نیات آنها
 تدقیق نمایند و قضاوتشان را در حل مسائل بدست
 آرند محفل ملی که انتخاب شده در مدت چند
 روزی که انجمن شور و روحانی رسمی است و بعد از تفرقه
 نمایندگان بایستی طرق و وسائلی بدست آرند

که کاملاً مسائل و قضایا مفهومی عمیق گردد در آماره راه را نشان داد و مسائل نشر را سهل و آسان سازند و علاوه بر این با اطمینان نمایند گانرا از اثر بخشند و با انواع مسائل و شواهد ممکنه متشبهت گردند تا بجمع بفهمانند که تنها از زوایا آنها خدایت و سعادت و ترقی و مسرت عمومی است چون در انجمن شور روحانی صحبت زیاد است و جلسات طولانی دارند رای نهانی در باره مسائل امریه مربوط است بمحفل ملی و بایستی این حق در دست آن هیئت محفوظ بماند و نیز بر عهد و محفل ملی است که کشف نمود در ریاست که محافل محلی بروفق اصول الهیه در بیشترت امرالله کوشند یا خیر تشخیص و بر کردن اعتبارنامه های اعضای انجمن شور روحانی با محفل روحانی ملی سابق است که در و راه اش خاتمه یافته و حق تشخیص و تصمیم راجع بنفوسیکه حق رای دارند نیز بالکل در دست محفل روحانی ملی است چه در مرتبهیکه محفل جدید ادومحلی تشکیل شده و چه در هنگامیکه اختلافی حاصل شود بین چنین محفلی یا محفلی که مدتهاست تشکیل یافته اگر چنانچه محفل ملی پس از مذاکرات کافیه مصمم شد که از پروگرام سالیانه خود اجتماع نمایند گانرا حذف نماید بایستی وسائل و طریقی اتخاذ گردد که تجدید انتخاب بمکانته صورت گیرد مشروط بر اینکه این انتخاب در نهایت دقت و کمال کفایت انجام گیرد و اگر یکی از نمایندگان نتواند شخصه در جمعیت حاضر گردد بعقید من بحثی نیست و رای خود را باید کتبا بمنشی محفل ارسال دارد و در خصوص کسانیکه حائز حق انتخاب میباشد

مسئولیت نگاهداری صورت اسامی آنان با محفل روحانی است و شرایط پذیرفتن آنها را حضرت ولی امرالله بترتیب ذیل تعیین فرمود ماند .
 بطور خلاصه آنچه در وضع کارونی اقتضا نماید بر طبق نص صریح الراجح و صریحی حضرت عبدالبها حضرت اعلی مظهر روحانیت و فردانیت الهیه و مبشر جمال قدم حضرت جمال ابهی روحی لایحیائه الثابتین فداه مظهر کلیما الهیه و مطلع حقیقت مقلده ربانیه و مادون کل عباد له و کلی بامرہ یعملون مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی و بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا با اکثریت آراء تحقق یابد همان حق و مراد الله است .

بر طبق دستور مبارک حضرت عبدالبها تشکیلات ملی بهائیان هر کشوری ترقی و نمو یافتن آنها انکس بین المللی گردد یعنی محافل روحانی ملی بیت العدل اعظم را انتخاب نمایند چنین هیئتی هنوز بوجود نیامد ولی اسان در الواج و صایای حضرت عبدالبها و احیایان گشته : اما بیت العدل الذی جعله الله مندر کل خیر و موصونا من کل خطایا باید با انتخاب عمومی یعنی نفوس مومنه تشکیل شود و اعضا باید مظالم قوا الهیه و مطالع علم و دانائی و ثابت بردین الهیه و خیر خواه جمیع نوع انسانی باشند و مقصد بیت عدل عمومی است یعنی در جمیع بلاه بیت عدل خصوصسی تشکیل شود و ان بیوت عدل بیت عدل عمومی انتخاب نماید این مجمع مرجع کل امورا است و مؤسس قوا^ن و احکامیکه در نصوص الهیه موجودند و جمیع

مسائل مشكله در این مجلس حل کرد ولی امری در
 مقدس این مجلس و غیره ممتاز از این مجلس و اگر در
 اجتماعات بالذات حاضرند نایب و در کمی تعیین
 نماید این بیت عدل مصدر رئیس است و حکمت
 قوه تنفیذ تشریح باید مویده تنفیذ کرد و تنفیذ باید
 ظهیر معین تشریح شود تا از ارتباط و انتظام ایمن
 و ولت بنیان عدل و انصاف متین و زین گردد و
 اقالیم جنت النعمیم بیست و هشت برین شود ۰۰۰۰
 مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع
 به بیت عدل عمومی و بیت عدل آنچه بالاتفاق و بسا
 با کثرت آراء تحقق یابد همان حق و مراد الله است
 من تجاوز عنه فهمی من احب الشقاق و اظهار انفساق
 و اعرض عن رب الميثاق ۰۰۰) حتی در اوصاف کبری
 عالم بهائیان تمام قطعات جهان بایکدی یگروا بسط
 صمیمانه از محبت رابرسیله مکاتبت ائمه و ملاقات
 های انفرادی در ارباب باشند این تماس اعضا نژادها
 و ملیتها و ادیان مختلفه دلیل واضحی است بر اینکه
 علل تعصبات و عوامل تاریخی را که منجر به انشقاق و جدل
 میشد بواسطه روحی جدید یک حضرت بهاء الله در
 عالم ایجاد فرمود میتوان بر طرف نمود تلامذاد یان
 محققین مسائل مربوطه بان هرگز خصائص و امتیازات
 نوظه بشکیلات بهائی را از نظر نمیاندازند اول و
 مقدم بر همه توافق بین ائمه قوه متضاد ائمه یعنی
 تسلط استبداد یوازگی خود سرانه است دوم
 قطعی مزبوران و حقوق برانی بعنوان کشیش
 و امثالهم عقیده بهائیان راجع بدیانت
 است که تقدیس نفس را با اخلاق عملی با هم بکار
 برند یعنی تقوی و زهد شخصی را با تماس مفید بین
 افراد توأم سازند طبیعتا برخی در پی ارواحی قوی
 تراز سایر افراد میباشند و در تعالیم حضرت بهاء الله
 و حضرت عبدالبهاء قسمت تعالیم روحانی اهمیت
 خاص یافته ببلغ بهائی ابد استلطنی بر فاشی شکر
 و وجدان افراد نداشته بلکه افکار افراد بایستی مطیع
 نسیمات محفل روحانی بوده و این انقیاد و ارتباط
 با روابطی که افراد ملامها و کشیشها داشتند بالکمال
 متفاوت و متخالف است همین خاصیت عدم مطلق
 انشقاق و تفرقه است یعنی عاملیکه مانع کلی مساجی
 متعده و واضحترین علامت امراض روحانی است
 روح اتحاد که خاصیت ممتاز ما بهائیان است در
 جمیع امور حکمرا میباشد و به ناشر را وادار می نماید
 که دائما در پی اصلاح عموم باشند نه آنکه بدنیال
 پیشرفت خرب و فرقه روند و این روح اتحاد و وحدت
 داخلی جمیع بهائیان را بر روی مرتب و منظم میدارد

آنها را در این
 تمام بالکل مخالف و مغایر بهائیت است
 ظاهر احزای میگردند و گمانند این پیشرفت امر بهائی
 همین است و پس چنین نهفتنها و احزای لغزلی
 در اخلاص از هم متلاشی و جدا شده ولی دیانت بهائ
 نپور شد و از آرزوی خود را از دست نمیدهد چهارمین
 خاصیت آن نیز بهایار مهم است که نمودار بایست
 تدبیری و مطمئن بوده و جزه لازم ضروری است که
 تشکیلات را در دست کسانی گذارند که قابل و لایق
 انجام وظیفه خود باشند نظریه های کوچک را در
 توسعه داد به نظریه وسیعی تبدیل نمایند و انرا
 نیز بنوبه خود بفکری اوسع توسعه کنند چنین ترقی
 از فکر و نظریه لازمه خصاثلیست که باید برای انجام
 خدمات امریه هر فردی در ارا باشد تا آنکه مؤسسه
 گردند عالیترین صفات انسانی را بینه ظهور و بروز
 آرند ۰۰۰۰ در رخاومه لازمست متذکر گردید که تمام
 این دستگاه و تشکیلات و موسسات امریه فقط و فقط
 آلاتی هستند که بوسیله آنها انوار ساطع نماید سان
 اخوت به جمیع عالم برانگنده گشته اما سببهای هستند
 که بوسیله آنها عوالم روحانیه و تقدیس و تنزیه نفسانی
 در جریان حقیقی عمل وارد میشوند حضرت ولی امر
 الله این نکته را که تشکیلات الاتند نه مبد و اصول
 و اسبابند نه مقاصد اضلیه در بسیاری از توفیقات
 منیع خود شرت کرده و شایدسته چنین است که
 ختام این مختصر را بدگر بگفتم و بتعلیم و تبشیر
 تعالیم عالیه و اصول کانیه عید ما مره که در کمال علو
 و سمو خود میباشند و نه فقط با نهضت های مرتب
 تبلیغی و تاسیسات منظم تدبیر و تعلیم و بود رعایت
 وسعت و جلال باشند و حتی با قوت ایما و شعل
 فروزند و خلوص و ایقان وحدت تثبیت و حیرت
 و انجذاب خود نمیتوانیم سرانجام امید و اربا شیکه
 در انظار مترصد و متفقد مترد نه مان عصر روحانیت
 و انقلاب عظمت ظهور بهی را اعلان و اثبات نمائیم
 یک امر زود و شک و تردید فقط همان میتواند شاهد
 فتح و ظفر حقیقی این آئین مقدس را غوشر ما اندزد
 و ان این است که تا چه حتمیتوانیم در امرای
 وجود مان بزند ثانی داخلی و خصائل شخصی در
 فضائل نفسانی صیقل داده که شمس بر عظمت و جلال
 این ظهور اعظم در ان تابش نمود و جلا
 جهات متعدد به بزرگی امر الله و اصول
 لایزال مدعیای حضرت بهاء الله
 را بسه بر توابع کاس شکر
 قوی خود بهجانبان
 را غرض و نسیان
 سازم . انتهى (۵)

بفلم مستر جیزا من کائی

حضرت عبدالبهاء

پتر جماعی حدایت اللہ

مستر جیزا د اپریل ۱۹۰۷ اپز یارت حضرت عبدالبهاء
 د رارض مقصود تشرف حاصل نموده شرح زیارت
 خود راد رجزوه که بنام (جکلیله) موسوم است
 تدوین نموده شخصیت حضرت عبدالبهاء شرح ما
 سوا فداء راد رجزوه منور بطریق ذیل تجسم
 میدهد: " ازین سؤال شده که شخصیت حضرت
 عبدالبهاء را شرح کنم میخواهم از اظهار جمسواب
 حتی المقدور خود داری کنم زیرا حضرت عبدالبهاء
 مایل نیستند شخصیت ایشان مورد توجه احسا
 واقع شود. عهد از انجائیکه عدیه زیادی مشتاق
 و مایل هستند اطلاعاتی ولو مختصراً از هیکل مبارک
 آن موفقی بزیا رتشان نشد مانند داشته باشند سعی
 میکنم انطور که شخصیت ایشان د نظر من ججلسوه
 شده است بیان کنم. من منتخر زیارت شخصی
 ام که دارای قامت موزون و شاهانه بود سر
 مبارک باقیه و مولوی کوچکی زینت یافته و ایلقسم
 کلاه د رشرق علامت حکمت و دانشر بشمار میرود
 عبای بلند مشکی بر روی قبا ی سفید رنگی بر تن
 مبارک بود هیکل مبارک متناسب و نماینده صحبت
 کامل است گرچه قامت مبارک متوسط است و لسی
 د ارای شکوه آبرانه و چنان بنظر میرسد که کمتر از
 شتر فوت نیست چهره فروغ بخش و صورت نورانی
 و قیافه جذاب مبارکتر با محاسن سفید تن بیسن
 یافته است غالباً قسمتی از گیسوان مبارک د ر زیر فینه
 جمع شده د ماغ کشیده و پیشانی وسیع حضرتش
 با پروان انبوهی منتهی شده که ذیل آنها چشمان

نافذ و درخشنده و روشنی قرار گرفته است د اطراف
 مردمك قهوه فی رنگ چشم د ایره آبی رنگی وجود
 دارد که چشمان مبارک را بی جلوه میدهد شرح
 ان چشمان جذاب و نافذ غیر قابل توصیف است
 از سیمای حضرتش اثر سکون خاطر و قرار و نجابت و
 نطانت ذاتی که کسی را قدرت شرح نیست
 پدید ارقدرت و جلال از ناصیه مبارک هرید ا و
 نقصی د رعیکل حضرتش دیده نمیشود. قدرت
 اوطببعی. لطف او خالص و محبت او پاک است
 تبسم او موجب تشویق و تقویت احبائی که اطراف
 او جمعند میگردد د رحین مشی شبیه بیک سلطن
 یایک شبان حقیقی است د رموقع تشرف باستان
 مبارکتر مثل این بود که د مقابل یک قدرت و عظمت
 و نفوذ شخصی واقعشد نام که سلاطین دنیا فاقد
 چنین قدرتی بوده و در عین حال توأم با محبتی
 خالص است. از سابق بنگریم اینطور میرسید که
 حضرت مسیح شخمر حلیم صبور - فروتن - مظلوم
 آرام و محبوبی بود و د رموقع زیارت حضرت عبدالبهاء
 نیز انتظار چنین شخصی را باین صفات مینمود ولی
 اینک من در صفات حضرت مسیح تجدید نظر
 نمود و د رموقع که بیانات او را د ر انجیل میخوانم
 حضرتش را د ارای قدرت فوق العاده میدالم
 که کلمات او د ارای نفوذ بود و اثر خود را مثل شمشیر
 د ر قلوب کارگر میسازد حضرت عبدالبهاء نیز د ارای
 چنان شخصیتی است که قدرت و عظمت از وجود
 د بارکش ظاهر و آشکار بوده و د ر عمان حال مشعل

بد رهنمایی است که با اطفال خونا نهایت مهری
 و راهت معامله میکند کلید حرکات این شخص
 جلیل در موقع مشی و پر خورد و پذیرائی و معاشرت
 دارای قدرت کامل و قاروشایستگی و آزادی مطلق
 میباشد . در محضراتش همه متواضع و فروتن
 اند چنان خضوع و خشوع و فروتنی از زائری
 در مبارکش مشهود میشود که در نزد هیچ
 سلطانی نظیر آن دیده نمیشود بدین اجازه از
 حضور و نزد حضرتش خود داری نمود و موقعیکه
 وجود مبارک مشی میفرمایند عموماً بلا اراده سر
 تعظیم و تکریم فرود آورده و در موقع تشریف بقاصصه
 زیادی توقف میکنند این اعمال بر حسب میل و
 اراده مبارک انجام نمیگیرد بلکه صرفاً تحت تاثیر
 قدرت عمیق روحانی که در هیکل مبارک موجود است
 عموماً پیروی از این رویه و احترام بانحضرت موظف
 میکند . این احترام و تجلیلات در پیشگاه پر عظمت
 او تاثیری ندارد بلکه در مقابل محبت او شامل حال
 عموم بوده و خود را نسبت بهممه نزدیک میفرمایند
 چنان لطف او شامل هر تن است

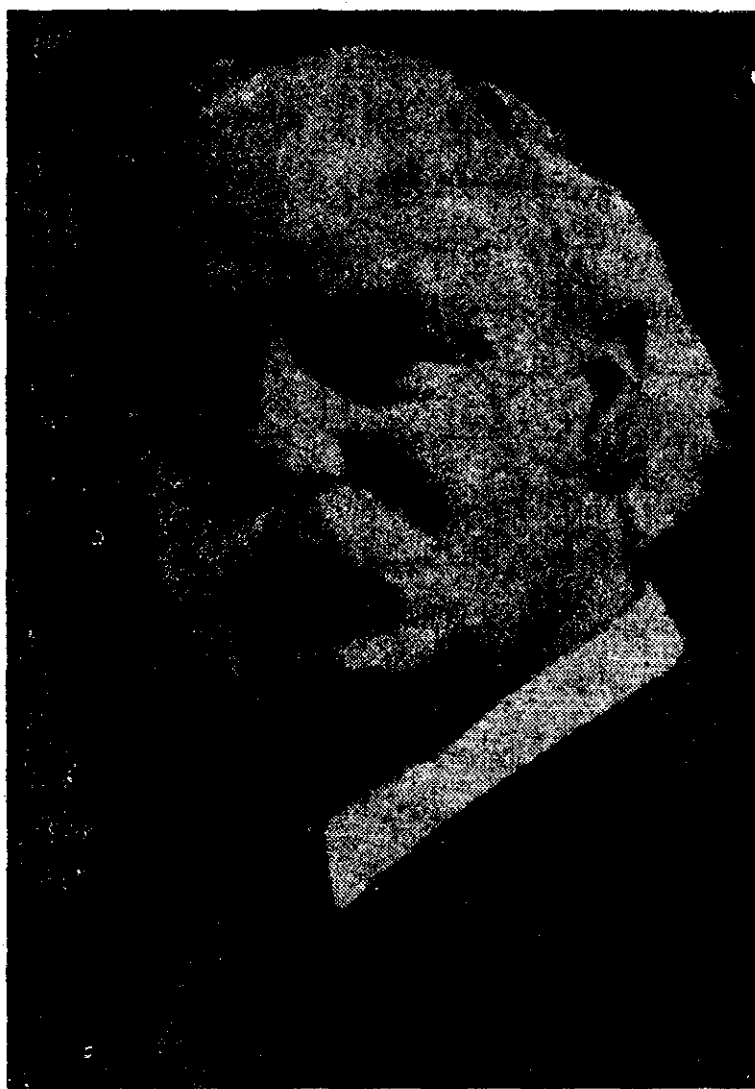
جدا بیت کامل در وجود مبارکش نیست گرچه
 وظائف یومیه حضرتش خیلی زیاد است غالب
 اوقات مبارکش صرف امور اجتماعی و رسمی میگردد
 طرز رفتار او خیلی صریح ولی صراحتی که توأم با
 قدرت و دارای نهایت احترام و لطافت است
 جهت خود مقاومتی را قائل نیست عموماً بر محبت
 و خدمت به عالم انسانی دعوت میفرماید که بسا
 اشتراک مساعی کنند مطالب را بطور اختصار و لحن
 واضح بیان میفرمایند جمیع کلماتیکه از فم مطهرش
 خارج میشود دارای معنی و حقیقت است خطاب
 بما چنین فرمودند : " الحمد لله شایسته است
 الهیه شامل است قدرت ملکوت الله بر عموم غالب
 خواهد شد جمال مبارک مشعل تسلیمات خود
 را بدست ما سپرده است . در هر تواین نور است
 که عالم نورانی میشود . امریکا از بر تواین نور خیلی
 استفاده خواهد نمود و از آنجا بسایر نقاط روشنی
 خواهد بخشید انتظار من اینست که شرق و غرب
 دست در راغوش یکدیگر نموده و شمال و جنوب بسا
 هم نزدیک شو ند و کلیه اختلافات زائش گردند
 مطمئن باشید کلمه قدرت کلمه الله این عمل
 را انجام خواهد داد . انتهى

که برینده گوید خدای من است
 بسمه خدمت میکند از آنها پذیرائی میفرماید
 و حتی در امور جزئی هم از هیچگونه مساعدتی دریغ
 ندارد جهت شخص خود احترام - تمایز و عنوانی
 نیست بلکه برعکس مثل برادر بزرگتری است
 که بانهایت محبت و صمیمیت عمل میکند رؤوف است
 کسی نه ضعیف - محبوب و مقتدر - فروتن و قوی
 است . هیچگونه خصائلی جز محبت خالص و

تاریخهاییکه در قرن اول بهائوسی دارای
 اهمیت هستند
 قرار مجمع اتفاق ملل در تائید ادعای بهائیان
 نسبت به بیت مبارک حضرت بهاء الله در بغداد
 ۴ مارس ۱۹۲۹
 صعود حضرت ورقه مبارک علیاً ژوئیه ۱۹۳۲
 شروع اجرای نقشه هفت ساله
 امریکا آوریل ۱۹۳۷

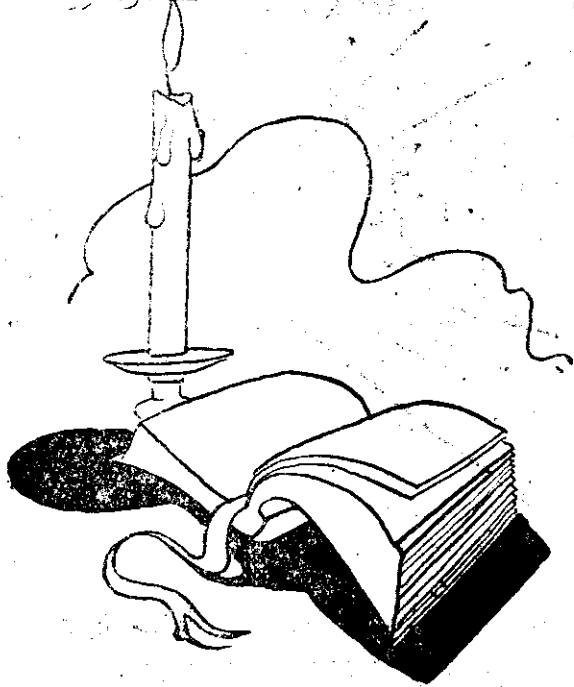
((مستمبر تورنتون چیس MR. TORNTON CHASE))

اولین بهائی
 خطه امریک
 در تاریخ ۲۲
 فوریه ۱۸۴۷
 متولد شد
 و ایام جوانی
 را در خدمت
 نظام گذراند
 و نخستین بار
 که در امر در
 در امریکا
 بلند شد
 او موفق
 بایمان
 و خدمات
 شایانی
 گردید
 و کتب مهمی
 از قبیل
 ((شهر
 بهائیت))
 و ((ملاقات
 در حینا))



Mr. Toronto Chase کتابت

((قبل از
 ابراهیم من
 بودم))
 تاه لیست
 منتشر کرد
 و سپس از
 ترقیات
 عالیسمه در
 عالم امر
 در مسی ام
 سپتامبر
 هزار و
 نهمصد و
 دوازده میلادی
 متولد گردید
 و در حال
 حال کامل
 این نفس
 جلیل را در شما
 های آینده آمند
 بدیع مطالعه
 خواهد کرد
 فرمود



از غزلت جناب گلشن لایق
ببیند لیب

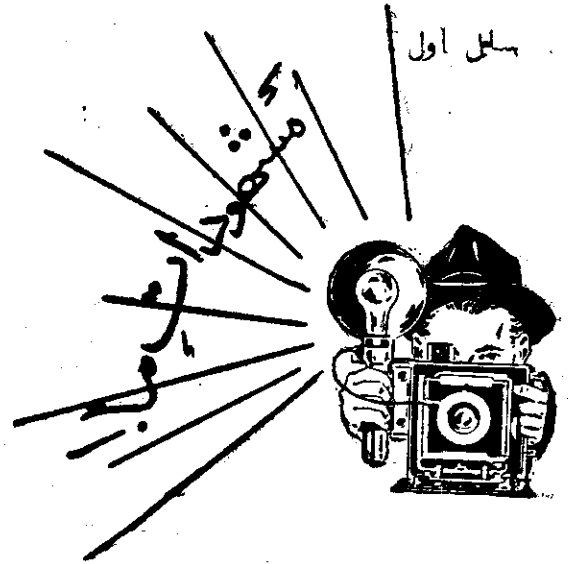
ثابت اند مهر جانان باش واز جان غم مخور
 نرد هی جان میرسی بروصل جانان غم مخور
 پیش اید گره یاران مشکل اند رعشند دست
 هم ز عشق اوشود هم مشکل اسان غم مخور
 ای عزیز از شاهی مهر فاداری طمع
 پس چو و سینه صبر کن و از چاه وزند ان غم مخور
 گوی با معقوب دل کار مهر جان آمد بشیر
 بوی پیران وزان شد سوی کنعان غم مخور
 چون بود خاطر تو را از یار مشکین شیره جمع

در کند لیتی تو را خا دار پیشان غم مخور
 چون شدی اند درین عشق او سالک اگر
 کافرت خوانند ترسا و مسلمان غم مخور
 در رسا طعش لکر محبوب جانان آمدی
 چند گاهی گرشوی محبوب سلطان غم مخور
 چون زم عشق بفا گنج لقا خواهی گرفت

گر کشی در عشق او رنج فراوان غم مخور
 عند لیب خوش سخن در سخن اگر گردید خوار
 یابد از این خازینت هر گلستان غم مخور
 اثر طبع جناب عباس ظاهری علیه من کل بهاء ابهه
 ما را از پیش و کم بیجهان گفتگوی نیست

غیر از رضای فغن بهاء از روی نیست
 لاجاب قریب گرنه مدد کار ما شوند
 ما را از ران بساط قدم ابروی نیست
 دست بازدم بدار که این قلب چاک چاک
 مریسم نیپنیرد و جایی رفی نیست

گفتی بنار و روز و سوی مامسگر
 در سوی روکم توئی و بی تو سوی نیست
 با منکر و بیت عبد البها بسگر
 ای بیونگه شرم از ان روی و سوی نیست
 ماد زمانه ناقص بسیار دیدم ام
 چونین تریف بیمزه و هرزه گوی نیست
 این بارگاه قدس و مقام نضر است
 این جای جای عوده و ههای و سوی نیست
 مفسوثر مرده بر محله امتحان بریم
 با طاعتی که اب نیازش و سوی نیست
 ای طاعتی زافت خود بینی الحذر
 که اتوی از این براه محبت عدوی نیست



نشریه جوانان بهائی انگلستان

اخیرالجنه ملی جوانان بهائی انگلستان موفق بانثشارمجله گردید که شماره اول آن بکیسیون آهنگ بدیع واصل گردید ما ست این مجله که هر سه ماه یکمرتبه درحدود بیست و چهارصفحه منتشر میگردد دارای مطالب متنوعه امری و اخبار و نشریات خدمات جوانان بهائی بوده و نمونه از اقدامات موفقیت آمیزدوستان غرب میباشد وجه اشتراک آن دروشیلینگ انگلیسی درسال میباشد (۳۲ریال بامخارج پست)

این اقدام جلیل که از ارکان مهمه نقشه شرف ساله جوانان بهائی انسامان میباشد بعموم جوانان بهائی انگلستان تبریک و تهنیت گفته و امید داریم باتاییدات مولای بیم متاحضرت ولی امرالله ارواحنا فداه روز بروزیتوسعه دائره اقدامات خود بیفزایند برای اشتراک مجله مزبور بلجنه مجلله ملی جوانان بهائی ایران مراجعه شود

روزشنبه اول شهرالقول مطابق دوم اندرماه ساعت ۵/۵ بعد ازظهرجلسه باشکوهی ازطرف کمیسیون مرکزی تبلیغ جوانان جهه تشویق وترغیب جوانان بتبلیغ درسالن مجمع منعقد گردید

دراین جلسه جناب علی الله نخجوانی نطق بلیغی درموضوع اهمیت تبلیغ ایراد فرمودند و پس ازتنفس قطعه رادیوئی موسوم بشعاعه عشق که درشرح حال سلیمانخان تنظیم شده بود توسط خانم فرزانه یزدانی بهمراهی ویلون جناب خوشدل یزدانی قرائت گردید استقبال شایان جوانان ازاین قبیل احتفالات حاکی ازعلاقه مفرط آنان بااجتماعات امریه واشتیاقشان بفهم مسئولیتهای خطیره خویش درعصرکونوسی میباشد

جلسه در ساعت ۸/۵ خاتمه یافت

سخنرانی جناب دکترهوشیار

روزشنبه اول محرم مطابق چهارم شهرالقول بنا بدعوت کمیسیون معلومات امری جوانان جشن و سخنرانی درمجمع جوانان تشکیل شده بود بعد از تلاوت مناجات منتخباتی از الواح مبارکه در اهمیت عید اول محرم تلاوت شد و سپس جناب دکترهوشیار کنفرانس خود را راجع بتعمد نهائی اخراالزمان که سابقان نیز ایراد فرموده و تقاضای تجدید آن از طرف جوانان نموده بود شروع نمودند این کنفرانس دقیق که متجاوز از دو ساعت بطم و دل دقیق که متجاوز از دو ساعت بطول انجامید بسیار مورد توجه جوانان گشته و با اظهار تشکرناظم مجمع احساسات ایشان نسبت باین کنفرانس ابراز گردید

تاد رکسب فضائل وتحصیل معارف همد و شر و مساوی نگردند رستگاری و نجات ممکن نیست در این نظم هر اعظم ببهترین وجهی مورد توجه قرار گرفته است و بنا بر این اینک میفرمایند " در این کور بدیع و در جلد بدیع جمالبارک تاجی بر سر نساء نهادند که جواهر زواهر شرالی الابد میتابد " (لوح ضمیمه جناب شاه خلیل الله) شوری دیگر در عالم نساء ایجاد نمودند و خمودت و خمودت انانرا بحرکت و کوشش تبدیل کردند و بدینوسیله اتحاد من علی الارض اسانتر میگردد . تطابق علم با دین از تعالیسم مبارکه است که از دخول خرافات و تقالید که سبب ضعف و سستی بنیان دین میگردد و محبت و عفا را مبدل به بغض و کینه مینماید جلوگیری میکنید حضرت عبدالبها میفرمایند " دینیکما ز علم عاری است عبارت از تقالید است " و واضح است که خلفست تقلیدشان بر یاد داد و بسبب متابعت از بیانات مبارکه و تطابق علم با دین خلق از این اسارت نجات مییابند . همچنین تا تعصبات دینی و مذهبی و جنسی و سیاسی که هادم بنیان انسانی و موجود جنگ و خونخواریست از میان نرود و جهانیان مظهر بار یکد آرند و هرگ یکشاخسار نشوند و فخر و برتری را در محبت بعالمیان ندانند صلح و عفا دیده نخواهد شد حضرت عبدالبها میفرمایند " از راحه تعصب جاهلان و وعدت و بغض عامیانه و او عام جنسیه و وطنیه و دینی که مخالف دین ^{بالتمام} الله و رضای الهی و سبب محرومی انسان از مواهب رحمانیست بیزار شوید ائینه دلرا از رنگ این

ارزوی خوشتران بران بیابند حال تعالیم حضرت بهاء الله چنین است که منتهمس آرزوی جمیع فرق عالم چه از فرق دینی و چه از فرق سیاسی و چه از فرق اخلاقی چه از فرق قدیمه و چه از فرق حدیثه کل نهایت آرزوی خوشتران در تعالیم بهاء الله مییابند انتهی (استخراج از لوح لاهی) احکام مبارکه که حصول صلح جهانی را اسان میسازد و افراد را در وصول بان رهبری می کند بسیار است و ما برخی از انانرا مذکور میدارم - تحری حقیقت که جهانیانرا از تقلید میرهاند و نفوس را بحقیقت که واحد است میرساند از عوامل موثری است که بفرموده مبارک در نجات عالم از این قیسم ریش بسیار مهم میباشند و حصول وحدت عالم انسانی را تسریع مینماید دیگر حکم محکم مبارکی است که حضرت بهاء الله میفرمایند (ای پسران انسان دین الله و مذهب الله از برای حفظ و اتحاد و اتفاق و محبت و الفت عالم است او را سبب و علت نفاق و اختلاف و ضغینه و بغضا مینماید اینست راه ^{مستقیم} و امر اساس متین) با این بیان محکم و گانگی را بیگانگی مبدل فرمودند و نفوس را که سبب نفاق در دین الهی میشوند چون شاخه خشکی از شجره الهی قطع کردند و بدینوسیله تشتت و اختلافرا از دین محو نمودند و بالنتیجه کسانیکه در ظل شریعه الهیه در این نظم و رحمانی داخل میشوند از دوست و نفاق برکنار خواهند ماند و در این طریق صلح عمومی سهل الوصول میشود . وحدت نساء و رجال که بفرموده مبارک در وبال عالم انسانی هستند و

تعصبات جاهلانه پاك و تقدس گنبد ۰۰۰ شایسته بودن
 و عنایت الهی ائمه انسانی از این نوع کثیف و بی‌بهره
 تعصب جاهلانه پاك و تقدس نبود (انتها) (جلد
 دوم مکاتیب) و روح این تعصبات جز در پیروی
 از تعالیم اساسیه این ظهور مبارک ممکن نیست
 مسئله اقتصاد نیز چنانچه در بخشهای سابق
 اشاره کردیم موجب جنگهای عظیم بود. اینها مطلب
 در بهائیت بهترین وجهی حل گردیده است
 ولی بفرموده حضرت عبدالبها (معتدلانه نه
 متهم‌ورانه) یعنی اشتراک و تساوی تام ممکن نیست
 و نظام عالم مختل میگردد ولی با طریقه در شریعت
 بهائی طرح گردیده است تعادل کامل حاصل
 میگردد و از فقر شدید فقر و غنای مفرط اغنیای
 میکاهد. در مسئله ارث چنانچه برخوردارندگان
 عزیز و اوصیاست در شریعت بهائی افراد در مال
 خود مختار بوده و در تقسیم مایملک خویش
 از اراده در صورت عدم وصیتنامه میراث او بین هفت
 طبقه چنانچه مصرح کتاب مستطاب اقدس است
 تقسیم میگردد و این خود از تجمع سرمایه میکاهد
 و در غیر این صورت افراد بهائی خود متذکر دستور
 العمل حضرت بهاء‌الله در تقسیم ارث بوده و در
 وصیتنامه خویش مورد توجه قرار خواهند داد و
 این عمل تاحدی بتعادل سرمایه کمک خواهد
 کرد این نکته نیز مسلم است که اخذ ثروت از اغنیای
 بجز روزی سبب بینظلی و نزاع و رنجش میگردد و
 همچنین اگر در تحت قوانین معین از ثروت انسان
 کاسته نشود و با اصلاح حال رنجبران و کارگران
 توجهی نگردد در حصر احتکار ثروت و فشار عسرت و

ذات بوجود اختلافات عظیمه خواهد بود و وسیع
 این نظامی را در شرایع الهی بوسیله ایمان که توره
 نمانده در قلب انسانست انجام میگیرد و انفراد
 همکاری و همراهی و کمک و مساعدت و معاضدت
 را سبب سعادت ابدی و شرافت سرمدی خود و
 همسرند و با جان و دل با اجرای آن میبرد از نسد و
 همچنین فضیلت حسن استعمال ثروت که در
 بیانات مبارکه مشاهده میگردد ثروتمندان سرا
 بفد اکاری در راه دفعه و بالنتیجه تعادل ثروت
 و اداریکنند. باتمام این احوال بموجب لایحه
 مبارک اقتصاد حل این مسئله از دهقان شروع
 شود و در هر قریه انجمنی تشکیل میگردد که هفت
 واردات و هفت مصرف دارد واردات عبارتند از
 عشریه رسوم حیوانات مال بیوارث لقطه (چیزی
 که پیدا شود و صاحب نداشته باشد) ثلث دینیه
 ثلث معادن و تبرعات و هفت مصرف عبارتند از
 معارف معتدله عمومی مانند اداره صحت
 عمومی و ادای عسرت حکومت و ادای رسوم حیوانات
 بحکومت و اداره ایتم اداره اعاشه عجزه و اداره
 مکتب و اکمال معیشت ضروریه فقرا و چنانچه واضح
 است عشریه بنسبت تصاعدی از منافع گرفته
 میشود و صرف در معاونت نفوسی میگردد که با
 وجود کار و کوشش نتوانسته اند قوت لایموت خود
 را تهیه کنند همچنین شرکت کارگران در منافع
 کارخانه ها که در خطابات مبارکه مصرح است
 موجب تعادل کامل این امر میگردد و بدین طریق
 مشاهده میگردد که تساوی در ثروت که منتفع و محال
 بر خلاف عدالت بود بدینوسیله تعدیل یافته

این جمع است رابط هیئت بامید الهام و هدایت الهیست و بدین طریق از خطا محفوظ خواهد ماند حل مسائل غیر منصوصه از روحانی و جسمانی تمدنی و تدینی کل در عهده کفایت بیت عدل اعظم قرار خواهد داشت و کلیه بیت عدلهای خصوصی ممالک در ظل ان و مطیع و منقاد فرمان اند و هیچ امری و حکم هیچ فردی بدین تصویب این بیت عدل مسموع و مجری نخواهد گردید .

۲ - محکمه کبری - دیگر از موسسات مهمه این حکومت محکمه کبری است این محکمه کبری که حضرت بهاء الله بیان فرموده اند و عظیمه را که جامعه ملل نتوانست انجام دهد بنهایت قدرت و قوت اجرا خواهد نمود حضرت عبدالبهادر این خصوص در لوح لاهای میفرماید " وان اینست که مجالس ملیه هر دولت و ملت یعنی پارلمانت اشخاص از جنبه ان ملت که در جمیع قوانین حقوقی بین دولی و بین مللی مطلع و در فنون متفنن و براحتی اجابت ضروریه عالم در این ایام واقف و مشخص یا سه شخص انتخاب نماید بحسب کثرت و قلت ان ملت این اشخاص که از طرف مجلس ملی یعنی پارلمانت انتخاب شده اند مجلس اعیان نیز تهدیق نماید و همچنین مجلس شیوخ و همچنین هیئت وزراء و همچنین رئیس جمهوریا امپراطور تا این اشخاص منتخب عموم ان ملت و دولت باشند از این اشخاص محکمه کبری تشکیل میشود و جمیع عالم بشر در ان مشترکند زیرا هر

مدنیت مادی و الهی - و با اخره بیان ملت مبارکه حضرت عبدالبهادر بخوبی بیان این مطلب مینماید که تا مدنیت مادی منضم بعدنیت الهی نگردد یعنی سعادت و رستگاری در ظل شجره الهیه و تعالیم مبارکه جویند شوند عالم انسانی چون جسم بیروحی خواهد بود و واضح است که جسم بی جان لایق قبرستان است در لوح لاهای میفرماید "مدنیت مادیه مانند زجاج است و مدنیت الهیه مانند سراج بیسراج تاریک است مدنیت مادی همانند جسم است و مدنیت الهیه مانند روح این جسم باین روح زنده است و الا جیفه گردد "

تشکیلات علمه سائنس
در نقشه صلح
۱ - بیت العدل اعظمهائی یک نوع حکومت که نسوق حکومت ایجاد خواهد شد که دارای تشکیلات وسیعه و تأسیسات عظیمه خواهد بود در پیسن این موسسات بیت عدل اعظم است در صفا اول قرار دارد اعضای این بیت عدل چنانچه بسر خوانندگان عزیز روشن ر واضح است منتخب منتخب منتخبین خواهند بود و خصائص این افراد بنا بر بیانات مبارکه حضرت عبدالبهادر خلوص نیت و انقطاع از ماسوی الله و انجذاب بنفحات الله و خضوع و خشوع است و همین مطلب نشان میدهد که مقام آنان که منوط بمراتب خلوص و جانفشانی نسبت بمصالح عمومیست انانرا از اعمال نظریات شخصی خود باز میدارد و بدین طریق تجمع نمایندگان جمیع ملل در یک جامعه سبب اتحاد من علی الارض از روی حقیقت

بلکه لغزین نمایندگان عبارت از تمام ان ملت است چون این محکمه کبری در مسئله ای از مسائل بین المللی یا با لاتفاق یا با اکثریه حکم فرماید نه مدعیان بهانه مانند مدعی علیه را اعتراضی هرگاه دولتی از دول یا ملتی از ملل را اجرای تنفیذ حکم محکم مبرم محکمه کبری تعلق و تراخی نماید عالم انسانی بر اوقیام کند زیر نظیر این محکمه کبری جمیع ملل و دول عالمند^د انتهی

باری این تاسیسات که از اتحاد و اتفاق دول ایجاد شده است حافظ صلح و سلام خواهد بود و مطابق ترقی عقول و افکار و تمدن ترقی خواهد کرد در این تشکیلات مهمترین قوه تنفیذیه نیروی وجدانیه و احساسات روحانیه است که افراد و بالاخره جوامع مختلفه را مجبور بر حسن اخلاق میگرداند. ژرژ لیتیر می نویسد "مطالعه در اداره و نظیر کار بهائیت امتیاز و تفاوت این تشکیلات را با تاسیسات کهن و یوسیده امروزی اشکار میکند نظم بهائیرانمیتوان با اصول دموکراسی^ی کاملاً منطبق دانست زیرا در این نظم قدرت و اراده مطلقه مظهر امر الهی اراده مرد مراراً هنمائی و رهبری میکند همچنین نظم بهائی رانمیتوان با هیچیک از تشکیلات رژیمهای مطلقه یا دیکتاتوری مشابه دانست زیرا نمایندگان منتخبه جمعیت در مسائلی که در بیانات حضرت بهاء الله منصوص نیست حق وضع قوانین و نسخ آنها را ندارند و نیز نمیتوان نظم بهائیرا با نظام اشرافیست (اریستوکراسی) و یا حکومت شرعی کلیسا (تئوکراسی) یکدیگر محسوب داشت دیانت بهائیان

دارای کشیش نیست که تعلیم مسائل دینی را وسیله ارتزاق خود قرار دهند. باری بدین طریق مشاهده گردید که این نظم بدیع الهی که بری از کلیه عیووست چگونه راه نما و ناجی بشر از مصائب خواهد بود.

صلح اصغر از بیانات مبارکه چنین مستفاد میشود که جهانیان قبل از تمسک بصلح اکبر که در ظل شریعت مبارکه بهائی وقوع خواهد یافت با انعقاد صلحی دیگر اقدام خواهند کرد مصداق مطالب مابیان مبارک حضرت ولسی امرالله در لوح قد ظهر يوم المیعاد است کسه بیانی بدین مضمون میفرمایند که صلح اصغر غیر از صلح اکبر است که مطلعین و واقفین بسه مبادی سامیه اساسیه بهائیت در جهان برقرار میکنند. حضرت بهاء الله در لوح ملکه ویکتوریا راجع بصلح اصغر چنین میفرمایند:

"اما نریکم فیکل سنة تزادون مصارفکم و تحملونها علی الرعیة ان هذا الظلم عظیم! یتوالله زفترات المظلوم و عبراته ولا تحملوا علی الرعیة فوق طاقتهم ولا تخربوهم لتعمیر قصورکم... لمانبذتم الصلح الاکبر تمسکوا بهذا الصلح الاصغر لعل به تصلح امورکم و امور الذین فی ظلمکم علی قدر یامعشر الامرین".

وظایف پادشاهان و صلح اکبر چنانچه جل اسمه الاعظم در موارد کثیره پادشاهان را امیر با اتحاد و اتفاق میفرمایند در لوح ملکه ویکتوریا باین بیان محکم انانرا مخاطب فرموده ایشانرا بتمسک بصلح اکبر دعوت میفرمایند:

اصحوا وادلت بینکم لئلا تحتلجون الی کثیرا
 العساکر و مهمماتهم الاعلی قدر تحفظون
 ممالکم و بلدانکم اتحاد و ایما
 یا معشر الملوک به تسکن اریاح الاختلاف
 بینکم و تسخیر الرعیة و من حولکم و در لوح
 مقصود جمال محبوب میفرمایند " اگر
 ملوک و سلاطین که مظالم را قتل حقیق جل
 جلاله اند همت نمایند و بساینتغ به
 من علی الارض قیام فرمایند عالم را آفتاب
 عدل اخذ نماید و منور فرماید "

و برای حصول صلح اکبر در عمان لوح میفرمایند
 " لابد بر این است مجمع بزرگی در ارض بر
 پاشود و ملک و سلاطین در آن مجمع مفروضه
 در صلح اکبر نمایند و آن اینست که دول عظیمه
 برای اسایش عالم بصلح محکم متشبث شوند
 و اگر ملکی بر ملکی بر خیزد جمیع متفق بر منع
 قیام نمایند و در این صورت عالم محتاج مهم
 حربیه و صفوف عسکریه نبوده و نیست ^{علی} الا
 قدر حفظین به ممالکم و بلدانهم . . . انشاء الله
 ملوک و سلاطین که مرایای اسم عزیز الهینند
 باین مقام فائز شوند و عالم را از سطوت ظلم
 محفوظ دارند ."

نکته را که برای جلوگیری از یک انحطاط فکری
 مجبور بند کسر هستیم این است که
 بهائیت و تشکیلات شریبا و وطن پرستی و
 میهن دوستی و اطاعت از دول و حکومتات
 مبیاینتی ندارد و منکر اختلاف اصل و مبدا

سزادی و عقاید و عسکرت و مشخصات اقوام
 مختلفه و افراد متعدده نیست بلکه
 میخواهند ان اختلافات و تناقضاتی
 را که سبب اختلاف قبائل و شعرب
 است از میان بردارد و بر عکس آن تنوعی
 را که سبب ظهور موهبت الهیه است
 توسعه دهد تا افراد بفرموده مبارک
 چون گلهای بوستان که مختلف النسجوع
 و مختلف اللون و مختلف الصورند از یک
 آب نوشند و از یک باده نشو و نما نمایند
 و از حرارت و ضیاء یک شمس پرورش یابند
 مقاله خود را برای انکه مصداق ختامه
 مسک باشد با این بیان مبارک حضرت
 عبدالبهاء که در صوت سلام عام خطابا للیشر
 میفرمایند ختم مینمایم :

ای دول عالم رحمی بر عالم انسانی ای ملل
 عالم عطف نظری بر میادیس حوب ای دانا^{یان}
 پیش از حال مظلومان تفقدی ای فلاسفه
 غرب در این بلیه عظمی تعمقی ای سروران
 جهان در دفع این آفت تفکری ای نسجوع
 انسانی در منع این این درندگی
 تدبیری حال وقت است که علم صلح
 عمومی برافرازید و این میل عظیمه را
 که آفت کبری است مقاومت نمائید
 بگوئید و بنالید و بشتابید تا! بسی
 بر این آتش پرشعله بریزید بلکه بهمت
 شما این نارجهانسوز خاموش گردد . انتمی

هرچه در تاریخ حیات و سرگذشت و تعالیم و احکام بدیعه حضرت باب و حضرت بهاء الله بیشتر وقت کنیم و در پیشرفت عجیب و تقدم سریع و نفوذ مد هشر او امر و تعالیمی که تشریح فرموده اند بیشتر تا مسل نمائیم خود را از ادراك عظمت و فهم و جلالت و ارتقای بدرک بزرگواری ظهور و تعالیمشان عاجز تر و قاصر تر خواهیم یافت و چاره نداریم جز اینکه برای تعبیر از مقام عظمت تعالیم و شارعین آن بوحی و الهام و پیام او رومری و غیرها که در الواح و ایسات آن د و بزرگواری کرده متشبت شویم . محیطی که حضرت باب و حضرت بهاء الله در آن نشوونما کرده اند محیط تعصب و جهل بوده و فقط تحصیل مقدماتی داشته و بهیچوجه ارتباطی با علم و تمدن غربی نداشته اند و انگهی بزرگان دنیا به مقاومت و مخالفت آنان قیام کردند و هر دو را در زندان محبوس و مقید ساختند و از انتشار آثار و کتب و نوشتجات آنان کاملاً جلوگیری و ممانعت نمودند این د و وجود مبارک یار و یاری بخیر از خدا شد و با آنها همه موانع که شمه از آن ذکر شد تعالیم مبارکه آنان منتشر و در تقدم و نفوذ او امر خویش با فتح و ظفر هم معنان گردیده اند اگر ما فرمایند حضرت مسیح را بکار بریم که میفرماید "انهارا از میوه نشان خوا عید شناخت" شبهه ای برای مانع خواهد ماند که این د و بزرگواری از طرف خدا و دارای روح الهی هستند و اگر فرمایند یوحنا ی رسول را در نظر بیاوریم صدق این ادعا روشنتر خواهد شد زیرا ظهور این

(نبوت حضرت باب و حضرت بهاء الله)

د و بزرگواری را باید شرایط مخصوصه ایست که بلسان مسیح و روحنا ذکر شده چه که تعالیم بهاء اقرار و اعتراف دارد که عیسی مسیح در بین مردم د رجس ظاهر گردید و این همان است که یوحنا ی رسول انرا میزان صدق مدعا قرار داده و از قبل بنصر بیان مبارک اشاره شد بهائیت همان مقامی را که مسیح برای خود مقرر فرموده کاملاً نسبت بمسیح اعتراف میکند حضرت بهاء الله در الواح مبارکه خود از حضرت مسیح بالقب عظیمه "پسر انسان" کلمه الله " مسیح " تعبیر فرموده اند حضرت عبدالبهادر این خصوصیت بیاناتی بایسن مضمون میفرمایند که "عیسی مسیح ظهور الهی بود شناختن مسیح شناختن خداست (۱) مسیح سرچشمه فیوضات الهیه بود این صفات رحمانیه بود و از آن این نور افتاب حقیقت باهل عالم منعکس شد و بواسطه آن این قوه و قدرت الهیه بجهانیان واضح و ظاهر گردید افتاب حقیقت با تمام قوت در حضرت مسیح تجلی کرد و جمیع آثار و صفات الهیه از حضرت تشریف دیدار و آشکار شد

انتهیه (یادداشت مستر مونت فرت میلز ۱۹۳۱)

ارتباط تعالیم بهائی با عهد جدید

اقدامی را که موسس و شارح تعالیم بهاء ثبته فرموده اند بعینه همان اقدامی است که حضرت مسیح و کلیه انبیای الهی در دوره ظهور خود فرمودند متوجه ساختن قلوب مردم بعرفان الهی ایجاد محبة الله در دلها تجدید حیات روحانی (۱) محبت مسیح محبت خداست اطاعت مسیح اطاعت خداست

(نوره ای از عصمت اعظم از صد هزار سال عبانیت و در بنای مصرفت است)

((بقلم خانم مده السلوك موزین))

دختران عزیز روی سخن من باشم انونها الان گل
 زار وجود و گلهای شاداب گلستان زندگی است
 باشما سبزه های چو بیار در امرانی است باشما که
 سر نوشت سعادت و نیکبختی یا شقاوت و بدبختی
 مل را فراهم میکنید شما تید که با گفتار و کردار خود
 او را از حیات را بر عزم میزنید و کتاب زندگی بشر را
 با تحولات صفات و رفتار خود در کردار میسازید.
 چه خوبست اندر زندها و دنیا بیع انانیرا که خود ایسن
 مراحل را زود تر از شما طی نموده اند با کوشش و هوش
 بشنوید و یاد دل و جان بکارینید انوقتئ که گلزار
 جوانی شما در مساعی با گلهای آمال و ارزو و ملسون
 و مزین میشود و دامنه هوا و خواجهشهای شما
 را وسیع میکند خارهای زسرا کینی از خلال عسان
 گلها با اشکال مختلف جلو گرمیشوند و با اند کسی
 غفلت پیکر وجود شما را از زده میسازند و نهال زندگی
 شما را خشک و بیثمر میکنند بدانید بزرگترین
 سرمایه زندگی و بهترین مایه حیات و عصمت
 و نیابت و شرف است حضرت عبد البهادر ایسن
 ختموس باین بیان احلی ناطق :
 "ورقات موقند مطمئنم باید در کمال تنزه و تقدیس
 و عفت و عصمت و مشرو حنیب و حیا مشهور افانی گردند
 تا کل برهائی و ظهارت و کمالات عفتیه ایسنان
 شهادت دهند ز پرانره ای از عصمت اعظم از صد
 هزار سال عبادت و در یای مصرفت است *
 ملا حظه کنید انان مقامیکه بندگانرا بپرستند و

و عبودیت حق بیل جلاله امر میفرماید برای انست
 شرافت و تقوی و عفت و نیابت ندر ای از عصمت را اصل
 از صد هزار سال عبادت محیر فرموده اند پس
 بر شماست که گوهر ثرائبهای خویش را در گنجینه
 نیابت محفوظ دارید و ان عفت را اولوت و وسع
 منزله سازید خارهای راه حیات را که مانع وصول
 به مقصد خویش است از میان بردارید از مواسست
 و مساعدت اشخاصیکه خود را متجدد میدانستند
 و در این لباس انواع بی اعتدالیهاراد رو و شر و
 گفتار خود بکار میبرند بکلی بر حذر باشید سادگی
 و بی الیشی را در رشتون زندگی بهترین پورایه
 عادتانید دخترانیکه خود را دستخوش هجوم
 عقاید دیگران میکنند و از راه غفلت و نادانی پهنخنا
 رفقای غیریهائی خود کوش میدهند بزودی متوجه
 میشوند که روش آنان با مبادی امری منافات دارد
 و با اصلاح خویش مبادرت میورزند اما چه نیکوست
 که قدمهای خود را با اجتماع آنان نگذارید و در
 جمیع امور دستورات مبارک و نصایح والدین
 خوشترانندب السین قرار دهید البته من خود
 معتقدم محیثیکه شما در ان بنام مدرسه قدم
 میگذارید برای تحلیم و تربیت مناسب نیست و
 بلکه ای که قسمت عده اوقات کودکی را در ان
 میگذرانید فاقد وسائل تهذیب اخلاق و تزکیه
 روحیات است و لکن او امر و فرامین جمال اندس
 ابهی و دستورات حضرت عبد البهادر روح الوجود

پیشتر خلقت آسمان جدید و زمین جدید تنها
نتیجه و مهتر فایده قیام و اقدام انبیای الهیست
مؤثر حقیقی روح خداوندیست و انبیای الهی
که نمایندگان او هستند و در هر دوری بطوری
ظاهر و ببعوث میشوند همه از جانب
او مامور و هیچیک را با دیگری عداوت و
رقابتی نیست فی المثل یکی زمین را شخم
میزند دیگری بذرمینشانند سومی آبیاری
میکند چهارمی حاصل درو مینماید هر چند
از حیث صورت و ظاهر این کارکنان متعدد
و متغایرند ولی فقط روح الهی است که
برکت و وسعت عطا میفرماید بدیهی است
که این همه کار از عهده یکی بتنهائی برنماید
مثلاً شخم کننده تنها و همچنین آبیاری و
افشان بتنهائی از عهده اینکار برخواهند
آمد و چون این جمله با هم مساعدت کنند
و در اجرای عمل شرکت نمایند نتیجه
منظور اصلی حاصل میشود و محصول در نهائیت
با کمال رضایت بدست میاید حضرت عبداللہ
بیانی باین مضمون میفرمایند که ایمان بحضرت
مسیح مسئلہ رد و تحقیر حضرت ابراهیم نیست
و همچنین اقرار بحقایق حضرت بہاء اللہ
موجب انکار و اعراض از مسیح نیست ما بایست
حقیقت را بپرستیم از هر نقطه که ظاهر شود
حقیقت مسئلہ روح منقلب اینست کہ چنانچہ

انبیای الهی برای ارتفاع رایت کمالات الهیہ
و تاسیس و اجرای تعالیم ربانیہ تاسیس شده اند
و تمام از اسنان ارادہ خداوندی میدرخشند
و باہل عالم نورانیت و روشنائی عطا میفرمایند
(نجم باختر جلد سوم شماره ۸ صفحه ۸)

و نیز بیانی باین مضمون میفرمایند کہ درد و
ظہور مسیح رومانیہا و یونانیہا امر حضرتش را
مخصوص و محدود در یہود شمرده و مدنیت خود
را کامل دانسته و بیچ وجه خویش را محتاج
بتعالیم حضرت مسیح نمینداشتند و باین خیال
باغل خود را از فیوضات ظہور مسیح محروم و
بینصیب ساختند همچنین میدانیم کہ تعالیم
حضرت مسیح و او امر مبارکہ حضرت بہاء اللہ
مانند یکدیگر و راه ہر دو یکی است منتہی
ہر روز ترقی و نموثر بیشتر شده تا بدرجہ بلوغ
و کمال رسیدہ و وقتی بود کہ امر اللہ از حیث رتبہ
و درجہ مانند جنین در شکم مادر بود پس از
ان دورہ تولد او رسید انگاہ دوران صباوت
و بعد رتبہ رشد و جوانی و امروز بدرجہ بلوغ
و رتبہ نورانی کمال و بلوغ واصل شدہ و بانہائیت
جمال و زیبائی و تابندگی و پرازندگی است خوشا
بحال کسیکہ بکشف اسرار موفق شود و در زمرہ
نفوس مقدسہ نورانیہ محشور گردد و محل و مقامی
برای خود در عالم نورانیت بدست آورد انتہی
(نقل از کتاب بہاء اللہ و پیامبر تالیف دکتر اسلمنت)

لهما الفداء را بکار بندید کتب امری خط العسه
 کنید و از حضور رکلاسهای در اخلاق غفلت
 نشمائید زیرا مسموم کشنده ایراکه در اثر مجالست با
 رفقای نامناسب اوتار وجود شما مسموم نموده باز
 میان برد و روحی جدید بکالبد شما میدمد السواح
 وایات الهی تلاوت کنید زیرا غذای روح است
 وهستی بختر بیان دختران عزیز و نونهالان
 اریبند انگاه که روی شما از هجوم الام و افکسار
 افسرده میشود و محرم اسرای میخوانید که راز
 های درونی خود را بر او خوانید تا ما را هدایت و
 راهنمایی کند و از هم رزم شما بکاهد محبوبترین
 یاران و نیکخواهترین ^{دوستان} که از صمیم قلب شما
 را کمال نموده و با چراغ پر نور محبت و تجربت در
 بیابان وسیعی که پرتلاطمهای مخوف دارد ^{یت} هدایت

نماید ماد رشما است آری همان مهر و محبت مادری
 است که در جمیع اوقات حیات پشتیبان زندگس
 شماست مادران مجرب و مدبر فرزندان خود را
 تا آخرین لحظه حیات ارشاد و راهنمایی نموده
 و اندر خسته نجارب خویش را برایگان بانان تسلیم می
 کنند شما هم برای انکه در انیه فرزندان متدین
 و مرمین و پاک و عقیف و پاشماست پرورش دهید گوهر
 تابناک ایمان و ایقانرا از کف مدسید و برای احراز
 لغنائی عالم انسانی روش معتدل و ملایمی در رشتون
 زندگی خویش بکار برید و با نهایت متانت و وقار اعمال
 خود را سرمشق دیگران نمائید و از این راه بتبلیغ
 اموالله قیام نمائید تا تایید و توفیق الهی استمرار
 یابد و فضل و مودت حضرت رحمت رحمن
 شما را شامل . انتهى

(.....) آوازه عظمت اموالله چنان بود که کشیش متعصبی بر قمیسر کلیسای امنشن (دکتر
 گوند) اعتراض نموده بود که در کرسی محراب کلیسا و انتهی روزنشده به وقت نماز جزو نائیب
 مخصوص مسیح کسی نمیتواند بنشیند چرا شما حضرت عید البهاراد را بجای جای دادید؟ مقصود
 اینست که وقتی هم متعصبی خواست اعتراض نماید جز این بهانهای نیافت و این اعتراض را
 هم بعضی از کشیشهای دیگر خود جواب دادند و در برابر عدم تهدیب آن معترض را منتشر
 نمودند تا انکه خود او مقابلای دیگر نوشت که من در رسائل و اصمیت تعالیم حضرت عید البهسا
 شیبهای ندارم ولی فقط مقصود من رعایت قانون کلیسا بود.

+++++

(.....) سفیر عثمانی خیمه پاشا صنفحه ایکه در تبریک و تمجید مبارک بترکی نوشته بود خوانده
 تقدیم نمود که ترجمه آن اینست :
 دو انوار فضل و کمالات حضرتش در ارض بدیع و عالم بدیدی اپناه زمانه را محصور در ارشاد
 و نورانیت مینماید و بجهت انشمار محاسن اخلاق بشریه هزاران رحمت و فداکاری تحصیل
 فرموده اند و محضر حصول سعادت حضور مبارکشان جمعیت ما را شرف بخشیده حضرت
 عید البهارید عصر که نزد ما بسیار معزز و مبارکند دعای از یاد هنر و عاقبت ایشسانرا
 از حضرت رب العالمین خدای لم یزل سائل و ملهم و ورود مبارکشان را تبریک میگویم)
 (نقل از کتاب بدیع الاثار جلد اول صفحات ۲۳۲ و ۲۳۳)

اگر بنقشه جغرافیای کشور هندس ایران
 رجوع کنید بینید که در آخرین
 نقطه شمال غربی آن در ایجان **بیتلم** اقصای امین الله لا مح **با** و خبر دادند حضرت محمد
 نزدیک سرحد ایران و روسیه **برای تبریک عید پهنو ر**
 و ترکیه شهر کوچکی بنام ماکو موجود است این شهر
 کوچک که دارای منظره های عجیب است در
 کوه بلندی واقع شده است عمارت های عالی و دارای
 باغچه های بزرگی است کوهی که شهر در دامنه آن
 واقع شده است در قسمت وسط بشکل نیمه دائره
 بزرگی شبیه به ماه در مواقع هلال میباشد و شاید بد
 جهت انرا ماه کوه گفته اند که امروزه از کثرت استعمال
 تبدیل به ماه کویا ماکوشده است در بالاترین
 نقطه دامنه قسمت هلالی کوه آنجا که دیگر شیب
 خسته کننده کوه بانتهامیرسد و مانند دیوار عمودی
 میشود و بالا رفتن از آن ممکن نه خرابه های قلعه
 بسیار بزرگی نمایان است این قلعه مدت ها پیشتر
 ساخته شده و تمام از سنگ بوده و طول آن خیلی
 زیاد و مانند کوه بشکل نیمه ایره میباشد قسمت
 عمودی کوه دیوار عقیب انرا تشکیل داد و در قسمت
 بالا بواسطه خمیدگی کوه به طرف جلو مانند سایبان
 است که تا اندازه ای قلعه را از آفتاب و برف و باران
 حفظ مینماید این قلعه که عکس آن در صفحه
 ۲۴۲ تاریخ نیپل انگلیسی موجود است **سید**
 نه ماه مسکن حضرت اعلی ارواحنا فداه بود ما
 همه شما میدانید موقعیکه حضرت اعلی را از تبریز
 به ماکو فرستادند و بدست علیخان کرد سپردند با مر
 وزیر وقت حاجی میرزا اقاسی درایتند ابهی کل
 مبارک بچقد ر سختگیری میکردند تا اینکه خدا در
 خواب بیداری یعنی خان قدرت خود را نشان داد
 (۲۰)

بهائی را عبری نمائید .